



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

ضرورت آموزش مهارت شهروندی در جهت بهبود توسعه اجتماعی

مژگان فریدون نژاد^۱

۱- دکترای تخصصی روانشناسی تربیتی، شاغل در آموزش و پرورش تهران و مدرس دانشگاه فرهنگیان تهران
dr.m_fereydownnezhad@yahoo.com

چکیده

شرط اساسی شکوفایی، بالندگی و توسعه اجتماعی هر جامعه، در توسعه سرمایه‌های انسانی و تربیت آن‌ها نهفته است. آموزش، به‌ویژه آموزش مهارت شهروندی از ارکان اساسی زندگی اجتماعی عصر حاضر و عامل اساسی در ارتقاء فرآیندهای توسعه به شمار می‌رود. امروزه توجه به روش‌های ارتقاء مهارت شهروندی در جهت بهبود توسعه اجتماعی، به‌عنوان یکی از اولویت‌های اساسی طراحان و برنامه‌ریزان شهری در زیرشاخه‌ی حقوق شهروندی تبدیل شده است. این مولفه در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت مدنی شهروندان نقش بارزی دارد. مشارکت، یکی از الزامات زندگی شهری است و زمانی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت افرادی که صرفاً در مکانی به نام شهر زندگی می‌کنند، درآیند و به «شهروند» تبدیل شوند. این اتفاق نمی‌افتد مگر زمانی که شهروندان درباره حق و حقوق شهروندی خود آموزش دیده باشند. آموزش شهروندی می‌تواند سهم به‌سزایی در مشارکت کامل توده‌های مردم در پیشرفت خود و در نظارت فعالانه‌شان نسبت به تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشته باشد. این آموزه‌ها در برگزیده یادگیری دانش، مهارت‌ها و ارزش‌هایی است که با ماهیت و شیوه‌های اداره یک نظام مردم‌سالار و مشارکتی همخوانی دارد؛ همچنین آموزش شهروندی در برگزیده احترام متقابل در میان شهروندانی است که در هویت‌های قومی، زبانی، نژادی، فرهنگی، دینی و جنسیتی تفاوت‌شان می‌دهند و در اینجاست که رابطه‌ی بین رویکرد چندفرهنگی و شهروندی جلوه‌گر می‌شود. در واقع چنین آموزش‌هایی در یک جامعه باعث شده که سه عنصر اصلی شهروندی چون نظام حقوقی، حس عضویت ملی و حس تعلق و وابستگی اجتماعی در وضعیت ارتباطات بین فرهنگی هر جامعه‌ای و همچنین تقویت روح جمعی و وجدان جمعی و به‌طور جامع‌نگر، در بهبود توسعه اجتماعی اثرگذار باشد. حال در صورتی که به اهداف آموزش مهارت شهروندی دست می‌یابیم که ابتدا از اصول و متولیان آموزش آن مطلع شویم و سپس تمام تلاش و همت خود را برای عملی کردن آن اصول به کار ببریم. در این مقاله بیشتر بر نظام آموزشی و مدرسه تأکید شده است؛ چرا که یکی از وظایف مهم مدارس به‌عنوان متولی آموزش رسمی به افراد جامعه، انتقال دانش، مفاهیم و مهارت‌های مورد نظر به دانش‌آموزان می‌باشد.

کلمات کلیدی: شهروندی، آموزش، جامعه، حقوق، مشارکت

۱- مقدمه

شهروندی موضوعی است که نخستین بار در علوم اجتماعی مطرح شد اما ضرورت‌های توجه به آن سبب شد تا شاهد ظهور آن در مقوله‌های دیگر من جمله عرصه تعلیم و تربیت به‌عنوان یک عرصه بنیادی باشیم. جامعه‌پذیر نمودن افراد، مستلزم استفاده



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

از کلیه ظرفیت‌ها و امکانات موجود در سطح جامعه و مدرسه است که در قلب آن برنامه‌های درسی قرار دارند. از آنجا که، فلسفه اصلی شکل‌گیری مدارس و طراحی برنامه‌های درسی، تربیت شهروندانی مؤثر و فعال برای اجتماع است، تدارک برنامه‌های درسی مناسب برای آموزش شهروندی از ضرورت‌های حیاتی برای پیشرفت و اعتلای جامعه است؛ چون نظام آموزش در جوامع شهری به‌عنوان محور تحولات شهروندی، زمینه‌ساز تغییر، رشد و نمو جامعه شهری خواهد بود. همچنین آموزش و پرورش در جوامع امروزی به‌عنوان کلیدی‌ترین نهاد آموزشی برای توسعه همه‌جانبه به شمار می‌رود و تاثیر بسزایی در جامعه پذیر کردن دانش آموزان دارد، از طرفی آماده‌سازی نسل جدید جهت ایفای نقش شهروندی و مهارت‌های اجتماعی در جامعه محلی، ملی و جهانی نیز امری ضروری است. تربیت شهروندی یکی از مهمترین و چالش‌زا ترین وظایف تمام نظام‌های آموزشی محسوب می‌شود، به طوری‌که در بسیاری از کشورهای جهان، این فعالیت بخش عظیمی از دغدغه‌های مسئولان آموزشی را تشکیل می‌دهد. این امر در سال‌های اولیه زندگی افراد که مبنای شکلگیری شخصیت آنهاست، بیشتر قابل تامل است. در این راستا، آموزش و پرورش به‌عنوان نظام اصلی و رسمی تعلیم و تربیت در جامعه، نقش مهمی دارد و باید در برنامه درسی خود، به بررسی چگونگی تربیت شهروندی دانش‌آموزان بپردازد. از جمله، وظایف و کارکردهای اساسی دستگاه آموزش و پرورش، تربیت شهروندان است که از بینش، نگرش و مهارت‌های شهروندی برخوردار باشند تا ضمن احساس دلبستگی به میهن و سرزمین خود و رعایت قانون در همه زمینه‌های زندگی، نقش شهروندی خود را به درستی ایفا نموده و جامعه‌پذیر شوند، و در نهایت بتوانند مشارکت فعالانه‌ای در عرصه‌های متنوع؛ اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره داشته باشند. آموزش و آگاهی بخشی به شهروندان عنصر کلیدی و اساسی در امر بالا بردن میزان مشارکت جویی شهروندان می‌باشد که نقطه شروع آن را باید در آموزش و پرورش و تقویت کارکردهای آن جستجو نمود. آشناسازی دانش‌آموزان با حقوق شهروندی، زمینه مناسب را برای یک شهروند خوب بودن، برقراری نظم و امنیت در جامعه، افزایش میزان مشارکت مدنی افراد، رعایت حقوق سایر شهروندان و ارتقای فضیلت جامعه شهری میسر می‌کند و سطح فرهنگ، اندیشه و معلومات افراد را بالا می‌برد. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی (اگر، اخلاق در جامعه شکل بگیرد بسیاری از ناهنجاری‌ها از میان خواهد رفت) به وجود می‌آورد. وقتی کودکانی مسئولیت‌پذیر، تحویل جامعه می‌دهیم، در آینده، بزرگسالانی تحویل می‌گیریم که کارهای مثبتی برای ارتقای دانش، مهارت‌ها و برنامه‌های مشارکتی انجام می‌دهند. این افراد، تغییرات قابل توجهی در جوامع در آینده به وجود می‌آورند و این چیزی نیست جز پیشرفت کشور و نتایج مثبت.

۲- ضرورت و اهمیت آموزش شهروندی

شهر شبیه شهروندان می‌شود همچنان که شهروندان شبیه شهر، از همین رهگذر نیز اگر می‌خواهیم شهر توسعه یابد ناگزیریم که شهروندان توسعه یافته داشته باشیم، شهروندانی با فرهنگ شهروندی غنی. شهروندی از یک سو واجد ابعاد سیاسی و ساختاری است و از سوی دیگر، ابعاد عاطفی را در بر می‌گیرد که با فرهنگ، هویت‌های فرد و رویکرد چندفرهنگی در جامعه ارتباط دارد. در کمترین سطح آن، شهروندان باید نسبت به مسئولیت‌ها، حقوق و هویت‌های متفاوت خود آگاهی و شناخت داشته باشند. کسب این شناخت، آشکارا مستلزم آموزش حقوق انسانی و فراهم‌شدن محیطی برای یادگیری است که در آن، مجال جستجو و تقویت احساسات و انتخاب‌های افراد فراهم باشد. ایده بنیادی تحقق حقوق شهروندی و نیز فعال کردن شهروندان برای کشف معیار و متر تعیین‌کننده حقوق‌شان نیازمند آموزش آنهاست. آموزش شهروندی عملاً به‌عنوان وسیله‌ای برای پرورش احساس تعلق به جامعه برای اعضا مورد استفاده قرار خواهد گرفت. هدف اصلی برنامه‌های آموزش شهروندی باید درگیرکردن افراد در فعالیت‌های مربوط به حوزه زندگی خود (اجتماع) باشد. آموزش مؤثر شهروندی از همان آغاز به کودکان اعتمادبه‌نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی می‌آموزد. وجه دیگر این آموزش، درگیرکردن افراد جامعه در



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

مسائل مربوط به شرایط زندگی و دغدغه‌های اجتماع محل زیست آنهاست. بالاخره وجه سوم آموزش شهروندی را می‌توان انتقال دانش، مهارت‌ها و ارزش‌ها به کودکان دانست که به‌واسطه آن، خود را عضو مفیدی از حیات عمومی جامعه تشخیص دهند. از طرفی آموزش شهروندی نباید دربرگیرنده نفع فردی باشد بلکه جست‌وجو برای عدالت اجتماعی آن را به وجود می‌آورد. به همین دلیل شهروند کسی است که به مسائل عمومی جامعه آگاهی دارد، واجد فضیلت‌های مدنی است و از مهارت‌های لازم برای مشارکت در عرصه سیاسی برخوردار است. علاوه بر این، تأکید آموزش شهروندی بر این است که کودکان را به‌عنوان شهروندان به‌گونه‌ای تربیت کند که در اجتماع و محیط اطراف خود مشارکت کنند، با حقوق خود آشنا شوند و به وظایف خود در قبال جامعه عمل کنند. شهروندی نوعی قرار اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است. این مفهوم ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند. برخی از صاحب نظران نیز ضرورت آموزش شهروندی را پرورش قابلیت‌هایی در فرد که با افراد دیگر جامعه همزیستی اجتماعی سالمی پیدا کنند می‌دانند. در واقع فرد با آموزش‌هایی که در زمینه حقوق شهروندی از طریق نظام آموزشی و مدارس دریافت می‌کند به فردی مستقل که دارای حس مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی رشد یافته‌ای باشد تبدیل می‌شود و عضو سودمندی برای جامعه می‌گردد. به همین دلیل آشنا شدن با این حقوق و ضرورت آموزش آنها به شهروندان، مزایای زیادی می‌تواند داشته باشد. بنابراین آموزش حقوق شهروندی در مدارس ضرورت پیدا خواهد کرد. به این ترتیب هدف‌های آموزش شهروندی را باید عموماً حول سه محور آموزش مسئولیت اجتماعی و اخلاقی، آموزش فعالیت‌های اجتماعی و گرایش به چنین فعالیت‌ها و آموزش سواد سیاسی دانست.

۳- تاریخچه و سیر تحول شهروندی

ریشه‌های تاریخی موضوع شهروندی را همانند بسیاری از علوم، باید در یونان باستان و در اندیشه‌های افلاطون و ارسطو جستجو کرد (Faulks, 2000). افلاطون جامعه را به طور روشن به سه طبقه حاکمان (زمامداران)، نگهبانان (سربازان) و کارگران (عامه مردم) تقسیم می‌کند که در زندگی دولت ایده آل شریک هستند. افلاطون در آثار خود نوعی طبقه بندی اجتماعی برای مردم جامعه قائل می‌شود و آنها را به طلا، نقره و آهن (یا برنز) تشبیه می‌کند. افلاطون معتقد است زندگی اجتماعی مناسب، تنها از طریق زمامداران دانا و دادگر استقرار می‌یابد. ارسطو دانشمند دیگری است که معتقد است شهروندان همه افرادی هستند که در زندگی اجتماعی، حاکم و در عین حال محکوم اند. بنابراین از نظر ارسطو یک شهروند خوب، باید صاحب دانش و توانایی لازم برای حکم کردن و همچنین اجرای حکم داشته باشد. از نظر ارسطو، شهر دارای دو دسته افراد است: عده‌ای که حکمران هستند و گروهی که فرمانبردار هستند. شهر متشکل از شهروندان است. شهروند کسی است که در شهری که مسکن اوست، حق دادرسی و بیان عقیده درباره امور را داراست؛ از طرفی شهروند خوب، فضایل شهر را رعایت می‌کند. تولد مفهوم شهروندی در تاریخ باستان می‌باشد. یونانی‌های باستان، شهروند را در مقام یک مالک که تنها احساس تملک کند تلقی نمی‌کنند. آنها شهروند را تصویری از یک عقلانیت اشتراکی که در جامعه سیاسی وجود دارد، قلمداد می‌کنند. اگر چه بیگانگان و بردگان از حقوق شهروندی عاری بودند و زنان حق اعمال قدرت در حوزه‌های سیاسی را نداشتند، اما آن دسته از افرادی که در گروه و حیطه شهروندی قرار داشتند از حقوق و وظایفی بیشتر از یک تشکل ساده و یا حتی قانونی شهروندی برخوردار بودند (مشارکت شهروندان). ارسطو نیز بر اهمیت مشارکت شهروندان تأکید می‌کند و آن را به گونه‌ای خاص مورد بررسی قرار داده است. او معتقد است که سهیم نشدن در اداره امور و فعالیت‌های جامعه یا کار حیوان است و یا کار خداست! او در ادامه تأکید می‌کند که یک انسان واقعی باش، انسانی که یک شهروند فعال است و در فعل و انفعالات جامعه خود مشارکت دارد. او بر این اساس شهروندی را به جای یک مفهوم حقوق محوری، یک مفهوم تعهد محوری قلمداد می‌کند. البته تعهدات، شکل وظایف قانونی به خود نمی‌گیرند. بلکه شهروندان با بر عهده گرفتن تعهدات، به جامعه خود خدمت می‌کنند. در



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

این راستا مؤسسات دولتی نیز فرصت های زیادی را به منظور جذب مشارکت شهروندان فراهم می‌آورند و بر این اساس مفروضه و تمثیل شهروندان هم حاکمند هم محکوم، شکل می‌گیرد (Faulks, 2000). در حال حاضر مارشال^۱ به عنوان محققى در نظر گرفته می‌شود که برای اولین بار نظریه ی شهروندی را ارائه داد. امروزه پس از انتشار پنجاه سال از انتشار کتاب شهروندی و طبقه اجتماعی او، وی همچنان به عنوان یک مرجع در مباحث شهروندی قلمداد می‌شود. شهروندی مارشالی در سال های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ به وجود آمد و عبارت است از به عضویت در آمدن کامل یک جامعه که مستلزم مشارکت بوده و از حقوق و وظایف برابر، آزادی ها و محدودیت ها، قدرت ها و مسئولیت ها تشکیل شده است. دیدگاه وی بر اساس توجه به رفاه کشور و اشاعه حقوق مدنی و سیاسی در پادشاهی بریتانیا، دارای ماهیتی تکاملی میباشد. در این دیدگاه حقوق افراد به عنوان نقطه ی عطفی برای یک جریان گام به گام تلقی میشود. مارشال استدلال می‌کند که حقوق اجتماعی که در نتیجه حقوق مدنی و سیاسی (مانند گسترش گام به گام حق رای در انتخابات) به وجود آمده، توسط مقدمات سیاسی، قضایی و حقوقی، مشروع در نظر گرفته می‌شود. (combs, 2001)

۴- شهروندی

شهروندی مجموعه‌ی گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آن، به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. شهروندی زاینده زیستن در دنیای معاصر است که با تاکیداتی تازه در تلاش است تا با ایجاد تفاهم در زندگی اجتماعی، راه پیشرفت و ارتقاء جامعه را هموار سازد. شهروندی طرح سوالاتی است در ارتباط با ماهیت جامعه، عدالت، مراقبت، مسئولیت، دولت، آزادی، تعاملات اجتماعی، احترام و به ویژه ارزش‌ها، که علاوه بر نوع ارتباط هر فرد با چنین موضوعاتی، نوع واکنش افراد را نیز شامل می‌شود (combs, 2001). شهروندی دقیقاً به حقوق انسانی در زندگی اجتماعی پیوند خورده است (parker, 2000) و کمال مطلوب آن هنگامی است که همه شهروندان در جامعه ملی تلفیق شده و ملت آن جامعه را تشکیل می‌دهند (Ibid, p.19). جان راولز^۲، شهروندی را عملکرد یک جامعه عادل تلقی می‌کند، وی معتقد است شهروندی جریانی است که در بستر خود، منجر به رشد شهروندانی می‌شود که نه تنها از حقوق آزادی برخوردارند، بلکه وظایفی را هم به منظور تضمین عدالت در جامعه بر عهده می‌گیرند. در چنین فرایندی، افراد علاوه بر اینکه جامعه خود را شکل می‌دهند تلاش می‌کنند تا با انجام وظایف و مسئولیت‌های خود، عناصر متشکله جامعه را حفظ کنند. مارشال معتقد است شهروندی موقعیتی است که به کسانی که اعضای جامعه هستند، اعطا می‌گردد. هر موقعیت اعطا شده، حقوق و مسئولیت‌هایی را نیز شامل می‌شود وی شهروندی را تلفیقی از این دو عامل بر می‌شمارد. او استدلال می‌کند چنانچه حقوق به عنوان بخشی از موضوع شهروندی به افراد اعطا می‌شود، وظایف و مسئولیت ها نیز بخش دیگر آن به شمار می‌رود. مارشال تاکید می‌کند اگر شهروندی مفهومی در راستای دفاع از حقوق افراد در نظر گرفته شود، وظایف متناسب شهروند را نیز نباید نادیده گرفت. البته در این راستا افراد نباید آزادی‌های شان را فدا کنند و یا بدون هیچ اعتراضی با هرگونه تقاضای دولت و حکومت موافقت نمایند. افراد باید تشویق شوند به اینکه با روحیه و سرزنده به ایفای مسئولیت‌های خود پرداخته و در جهت رفاه جامعه گام بردارند (Strijbos, 2001). هیتز نیز ضمن اینکه مفهوم شهروندی را به عنوان یک مفهوم سیاسی قلمداد می‌کند معتقد است شهروندی فی نفسه مهم است به دلیل اینکه ارتباط بین کشور و فرد و فرد و جامعه را توصیف می‌نماید.

^۱ Marshall

^۲ John Rawls



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

داون هاوار^۱ معتقد است شهروندی همانند جایگاه یک شیء دست ساز است که ارزش و اهمیت آن تنها به وسیله افرادی که با منابع فرهنگی و اجتماعی و اطلاعاتی آن آگاه هستند درک می‌شود. داون هاوار مشارکت را عامل محوری تلقی می‌کند که به پرورش مفهوم شهروندی در احاد جامعه کمک شایانی می‌نماید (Mcdonald, 1999).

شهروندی را نباید صرفاً یک عامل رفتاری قلمداد کرد، بلکه باید آن را ایجاد و نشر یک خلق و خوی شهروندی، تمایل داشتن به عمل کردن در جهت نفع عموم و همچنین دقیق و حساس بودن نسبت به احساسات، نیازها و نگرش‌های دیگر قلمداد نمود. شهروندی بر یک تعهد یا وظیفه‌ای که برای دیگران مناسب است دلالت دارد، مهربانی و تدبیر را نشان می‌دهد و خدمات مطلوبی را به جامعه عرضه می‌کند (Summers, 2002)

۴-۱- ابعاد شهروندی

کوگان، گراسمن و لیو در تحلیل شهروندی ۴ بعد را ذکر نمودند:

– بعد فردی

– بعد اجتماعی

– بعد مکانی

– بعد زمانی

• **بعد فردی:** بعد فردی شهروندی بر گسترش توانایی فردی و تعهد نسبت به اصول اخلاقی و رفتاری تاکید دارد که توسط خصلت‌های ذهنی و فکری، عشق و علاقه و عمل مشخص می‌شود. این توانایی‌ها باید در موقعیت‌های آموزشی دانش آموزان گسترش و نهادینه شوند. دانش آموزان همانند شهروندان آینده باید یاد بگیرند تا پیامدهای عمومی تصمیم‌گیری‌های فردی شان و تاثیر تصمیم‌گیری‌های عمومی را بر انتخاب‌های فردی‌شان درک کنند.

• **بعد اجتماعی:** شهروندان باید قادر باشند که در شرایط و موقعیت‌های مختلف اجتماعی نیز فعالیت کنند و کنش متقابل داشته باشند. آنها باید قادر باشند در مباحثات و مذاکرات، به منظور مشارکت در زندگی عمومی و فائق آمدن بر مسائل و مشکلاتی که به طور فردی با آن مواجه می‌گردند، با دیگران گفتگو کنند و در یک فضای محترمانه که همواره شأن انسان و زندگی اجتماعی در آن مراعات و حفظ می‌شود، به قضاوت رفتار یکدیگر احترام و بستر رشد ارزش‌های تازه را فراهم نمایند.

• **بعد مکانی:** در این بعد هر فرد، فراتر از خود و جامعه پیرامونی، در حیطه چند جامعه محلی، ناحیه ای، ملی و چندفرهنگی، عمل می‌کند. بعد مکانی شهروندی به هر فرد کمک می‌کند تا با تشخیص و آگاهی به دیدگاهی در رابطه با جهان دست یابد. و همواره هر فرد در چشم انداز وسیع خود به این احتمال باور داشته باشد که دیدگاه‌های دیگر افراد، جدا از ویژگی‌های مکانی می‌تواند متفاوت از دیدگاه او باشد. هانی^۲ این موضوع را تحت عنوان «وسعت نظر» نام نهاده و آن را عبارت میداند و یادگیری این نکته که به تفاوت‌های جوامع مختلف در جهان امروز، توجه کنیم. ما می‌خواهیم شهروندانی به وجود آوریم که به طور جهانی فکر کنند، در حالی که به طور محلی عمل کنند و یا شاید پسندیده آن باشد که گفته شود به طور جهانی فکر کنند و با توجه به موقعیت و درک اقتضائات بستر موجود عمل کنند.

• **بعد زمانی:** بعد زمانی شهروندی بر این موضوع تاکید دارد که شهروندان نباید خود را خیلی در زمان حال محدود کنند و از تحلیل گذشته و آینده غافل بمانند. در بعد زمانی محدود بودن دیدگاه‌های مان به شرایط خاص سبب می‌شود وسعت زمان را درک نکرده و از گستره زمان غافل بمانیم. بعد زمانی باید زمان معاصر و چالش‌هایش را در شرایط و موقعیت‌های گذشته و آینده جای دهد. این عامل کمک می‌کند تا از راضی شدن به راه‌حل‌های کوتاه مدت برای حل مشکلات اجتناب

^۱ Dawnhauer

^۲ Haney



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

کنیم. لازم است درک دانش آموزان را از زمان حال، با تلفیق دانش و فهم زمان گذشته برای آینده ارتقا بخشید. شهروندان به یک دانش فنی در مورد خود و تاریخ جهان شان نیازمندند تا آنها را به مسیر زمانی و تاریخی ارتباط داده و به رفتارهای شان عمق بخشد (Cogan, Grossman, and Liu, 1999).

آلن سیرز و وان هبرت در تحلیل ابعاد شهروندی، دیدگاه دیگری را بیان می کنند. آنها ابعاد شهروندی را عبارت می دانند از:

– بعد مدنی شهروندی

– بعد سیاسی شهروندی

– بعد اجتماعی_اقتصادی شهروندی

– بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی

• **بعد مدنی شهروندی:** این بعد به شیوه زندگی شهروندان که معمولاً در راستای اهداف دموکراتیک جامعه است، اشاره دارد. این بعد، ارزش‌های اساسی جامعه، حدود تصمیم‌گیری‌های دولتی در ارتباط با افراد شهروند، حقوق و تعاملات گروه‌های ویژه و ذینفع را مشخص می‌کند. بعد مدنی شهروندی، عواملی نظیر آزادی در گفتار، برابری در مقابل قانون، آزادی در تعاملات ارتباطات به معنای عام و همچنین جریان آزادانه دسترسی به اطلاعات را شامل می‌گردد.

• **بعد سیاسی شهروندی:** بعد سیاسی شهروندی به طور عمده شامل حق رای و مشارکت سیاسی شهروندان می‌باشد. شهروندی سیاسی به حقوق و وظایف سیاسی اشاره دارد که در قالب نظام سیاسی تبلور پیدا می‌کند.

• **بعد اجتماعی اقتصادی شهروندی:** این بعد به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد. تعریف حقوق اجتماعی و اقتصادی، شامل تبیین حقوق افراد در ارتباط با رفاه اقتصادی است. برای مثال، حق مربوط به امنیت اجتماعی، اشتغال و کار کردن، بهره بردن از حداقل وسایل و شاخص‌های امرار معاش و محیط سالم در این حیطه قرار می‌گیرند. شهروندی اجتماعی به روابط بین افراد یک جامعه و همچنین تقاضاها و نیازهای کلی آنها اشاره دارد. شهروندی اقتصادی نیز به ارتباط یک فرد با بازار کار و مصرف دلالت دارد و به حق هر فرد، در برخورداری از امکان اشتغال و امرار معاش می‌پردازد.

• **بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی:** این بعد شهروندی، به شیوه‌ای از فرایند گسترش تنوع فرهنگی اشاره می‌کند که با موضوعاتی نظیر توانایی پذیرش فرهنگ‌های دیگر، مهاجرت جهانی، افزایش تحرک و تغییر پذیری همراه است. شهروندی فرهنگی به آگاهی از میراث عمومی فرهنگی اشاره دارد. این مولفه شامل جستجو برای شناخت حقوق جمعی و گروه‌های اقلیتی می‌باشد. بعد فرهنگی شهروندی به تحلیل ویژگی‌های فرهنگی هر کشور بر اساس حقوق بشر پرداخته و پس از شناخت بعد انسان شناختی مربوط به هر فرد، ارزش‌ها و قوانین حاکم بر جامعه را مورد تاکید قرار می‌دهد (Sears and Herbert, 2005).

همچنین سه مفهوم وجود دارد که در تحلیل ابعاد شهروندی قابل توجه است آنها عبارتند از:

– شهروندی به عنوان موقعیت قانونی

– شهروندی به عنوان فعالیت مطلوب

– هویت

• **شهروندی به عنوان موقعیت قانونی:** به عضویت در آمدن کامل یک فرد در یک جامعه سیاسی و خاص اشاره دارد.

• **شهروندی به عنوان فعالیت مطلوب:** شهروندی به عنوان فعالیت مطلوب اشاره به این مطلب دارد که گستردگی و کیفیت شهروندی در هر فرد نتیجه مشارکت او در فعل و انفعالات جامعه خود میباشد. شهروندی در این مفهوم بیشتر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

دارای ماهیتی اجتماعی و فرهنگی است. شهروندی به عنوان فعالیت مطلوب، منافاتی با شهروندی به عنوان موقعیت قانونی نداشته، بلکه این دو در تعامل با یکدیگر، به مفهوم شهروندی وسعت بخشیده و امکان تبلور یک شهروندی خوب را محتمل میسازند.

• **هویت:** هویت مفهومی پویا است که می‌تواند در اثنای تلاش یک کشور برای ایجاد آن، شکل گیرد. به عبارت دیگر نباید هویت را ذاتی دانست. هویت بخشی از فرایند شهروندی شدن است که البته گاه متضاد با خواسته‌های حکومت و یا هویت‌های گروه‌های برتر جامعه شکل می‌گیرد و ماهیت متفاوت دارد (Parker, 2000).

طالب زاده و فتحی چهار بعد را برای شهروندی مشخص می‌کنند که عبارتند از:

– هویت ملی

– تعلقات اجتماعی، فرهنگی و فراملیتی

– نظام اثربخش حقوقی

– مشارکت مدنی و سیاسی

• **هویت ملی:** هویت ملی به معنای مجموعه‌ای از خصوصیات و ویژگی‌هایی است که انتظار می‌رود شهروندان آن را دارا باشد و عمده‌تاً این ویژگی‌ها با هویت جمعی جامع ارتباط دارند.

• **تعلقات اجتماعی، فرهنگی و فراملیتی:** که بیانگر مجموعه‌ای از احساسات و وابستگی‌هایی است که در درون یک جامعه وجود دارد و می‌توان از طریق این تعلقات و احساسات، ویژگی‌های کلی شهروندان یک جامعه را تعریف کرد.

• **نظام اثربخش حقوقی:** منظور یک ساختار حقوقی است که هدف آن تضمین برابری شهروندان در یک نظام اجتماعی است.

• **مشارکت مدنی و سیاسی:** که بیانگر توانمندی‌ها ظرفیت‌ها و فعالیت‌هایی است که انتظار می‌رود یک شهروند آنها را دارا باشد و بتواند به کمک آنها، تعهد و الزام خود را به اداره جامعه‌ای که خود عضوی از آن است به طور عملی نشان دهد.

❖ شهروندی چند بعدی، لازمه فعالیت شهروندان در مواجهه با چالش‌های قرن بیست و یکم است؛ با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده، می‌توان بیان داشت که شهروندی چند بعدی، مطلوب و مدنظر می‌باشد و مستلزم این است که شهروندان دارای توانایی‌های زیر باشند:

— مواجهه با مشکلات به عنوان عضوی از یک جامعه جهانی.

— فعالیت مشارکتی با دیگران.

— عهده‌دار شدن مسئولیت برای نقش‌ها و وظایفی که در جامعه وجود دارد.

— تفکر منتقدانه و منظم و البته مستمر.

— توانایی حل تعارض در یک بستر عاری از خشونت.

— اتخاذ شیوه زندگی‌ای که پاسدار و حامی ویژگی‌های محیطی است.

— احترام و دفاع از حقوق بشر.

— مشارکت در زندگی عمومی در همه سطوح مباحث مدنی.

— به کارگیری تکنولوژی اطلاعات به عنوان یک مزیت مدنی (Ibid, p.6).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

۴-۲- مولفه های شهروندی

«مینکلر^۱» احساس تعهد، احساس برابری، کنجکاوی و ترقی طلبی، اطاعت از قانون، توجه به نفع عمومی، مشارکت و ... را از جمله مؤلفه های اساسی شهروندی میدانند (Minkler, 1998)

«توماس اس دی^۲» مشارکت، تعاون، همکاری و دانایی محوری (Dee, 2004)

«می هویی لیو^۳» آراستگی شخصی، دانش محوری محلی - ملی و جهانی، سخت کوشی، وطن دوستی، تبعیت از قانون، نوع دوستی، مشارکت (Liu, 2001)

«فالکس^۴» مسئولیت پذیری، بسط ارتباطات انسانی، کل نگر، احترام به اصول اخلاقی (Faulks, 2000)

«سامرز^۵» تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، درک نیازها و نگرش های دیگران، رفتار متعهدانه و ... را مدنظر قرار میدهد.

دکتر مهر محمدی نیز در تبیینی جامع، اندیشه ورزی و ژرف اندیشی، سعه صدر و تحمل اندیشه های مخالف، قانون گرایی و قانون پذیری، احساس خود ارزشمندی و عزت و اعتماد به نفس، تمایل به رقابت سازنده، عدم تمکین به روابط مبتنی بر قدرت مستبدانه، تقویت روحیه پرسشگری و کنجکاوی، تمایل به تفکر خلاق و واگرا در حل مسائل مبتلا به محیط پیرامون، توانایی و جرأت در ابراز اندیشه را از جمله ویژگی هایی میدانند که به عنوان پایه های مفهوم شهروندی ارائه میشوند.

از دیدگاه دیگر مؤلفه های شهروندی عبارتند از:

- دانایی محوری
- وطن دوستی
- قانون مداری
- مسئولیت پذیری و تعهد
- مشارکت
- انتقادگری و انتقادپذیری

۴-۳- رویکردهای شهروندی

برای شهروندی رویکردهای مختلفی ارائه شده است که یکی از بارزترین آنها؛ طبقه بندی ارائه شده توسط «کستلز^۶» است. وی حداقل سه رویکرد اساسی برای شهروندی ارائه کرده است که دارای ویژگی ها و مفروضات متفاوتی هستند این رویکردها عبارتند از: (cashes, 1997)

- رویکرد حذفی متفاوت
- رویکرد جذب یا همانند سازی
- رویکرد تکثرگرا

- **رویکرد حذفی متفاوت:** رویکرد حذفی متفاوت، برخوردهای متفاوتی را با شهروندان گوناگون به کار می گیرد. بر اساس این رویکرد، شهروندان میتوانند بر برخی از حوزه ها و قلمروهای اجتماعی دسترسی داشته باشند و با اکثریت قلمروهای اجتماعی منطبق و هماهنگ باشند در حالی که از حق برخورداری از سایر قلمروها و مزایا محروم هستند. این رویکرد به ویژه

^۱ Minkler

^۲ Tomas S & Dee

^۳ Mei Hui Liu

^۴ Faulks

^۵ Summers

^۶ Castles



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

در برخی از کشورهای مهاجر پذیر اعمال می شود. این رویکرد شهروندی همچنین در مورد جوامعی که شهروندان طبقه بندی می شوند و به درجات و دسته جات گوناگون تقسیم بندی میشوند نیز مصداق دارد. مکانیزم حذف میتواند از طریق راهکارهای قانونی و یا از طریق اقدامات و فعالیت های غیر رسمی صورت پذیرد. در حالت اول قوانین ویژه ای تصویب و شهروندان در این قوانین به مراتب و درجات گوناگون طبقه بندی میشوند نظیر قوانین تبعیض نژادی و نژاد پرستی. در حالت دوم (غیر رسمی) مقامات کشوری و تصمیم گیرنده عملاً این رویکرد را در برخورد با شهروندان مختلف به کار می گیرند و در نهادهای رسمی و قانونی اعمال میکنند، اگرچه در منابع حقوقی کشور مکتوب و مستند نشده باشد.

در یک برداشت کلی، رویکرد ذیربط نشان میدهد که چگونه جامعه در راستای حذف افراد مشخص حرکت میکند و حقوق گسترده ای را برای سایر افراد جامعه به واسطه دارا بودن پاره ای از ویژگی ها و خصوصیات فراهم می سازد.

- **رویکرد جذب یا همانندسازی:** رویکرد جذب یا همانندسازی طرفدار سیاست تلفیق^۱ نسل نوجوان و جوان یا افراد تازه وارد به یک جامعه از طریق فرایند سازگاری و انطباق یک طرفه می باشد.^۲ این بدان معناست که از افراد انتظار می رود که ویژگی های متمایز اجتماعی، فرهنگی و زبانی خود را فراموش کرده و به کنار بگذارند و با ترک این ویژگی های اختصاصی، خود را با ویژگی های اکثریت جامعه منطبق نمایند. بنابراین، جذب یا همانندسازی بدان معناست که فرد باید خود را از لحاظ فرهنگی، همانند و همساز غالب جامعه نماید.

برخلاف رویکرد قبلی، این رویکرد مشارکت و برابری حقوق را در دسترس همگان قرار می دهد و این امر تنها مشروط بر آن است که شهروندان احساسات و تعلقات ویژه خود را ترک نمایند. این رویکرد روش مردم سالارانه تری را به نمایش می گذارد. در عین حال رویکرد حاضر، در صدد حذف تفاوت های فرهنگی و نادیده گرفتن آن ها می باشد.

- **رویکرد تکثر گرا:** رویکرد تکثر گرا دارای ویژگی بارز ارائه حقوق مساوی برای تمام افراد است. در این رویکرد، تمام شهروندان از حقوق برابر برخوردارند و میتوانند به تمام حوزه های اجتماعی و منابع مرتبط دسترسی داشته باشد بدون آن که از شهروندان انتظار رود که احساسات و تعلقات متفاوت خود را ترک نمایند.

۵- شهروند و انواع آن

شهروند^۳ عبارت است از کلیه افراد اعم از زن و مرد، کوچک و بزرگ، از هر نوع دین و آیین و قومیت و طبقه اجتماعی که در یک جامعه زندگی می نمایند. شهروند به اتباع یک شهر یا کشور اطلاق می شود که توسعه و رعایت و ایجاد مصادیقی مانند: آزادی، مالکیت، امنیت و غیره برای آحاد مردم در نظر گرفته می شود. شهروند در گذشته به کسی گفته می شد که در شهر ساکن بوده و مطابق قانون از مزایای مدنی آن بهره مند می گردید. امروزه شهروند اصطلاحی است که با نفوذ حقوقی مدرن و تلقی های جدید مفهوم وسیعی یافته و مترادف تمام اتباع یک کشور به کار می رود و مصادیق آن آزادی، مالکیت و امنیت است (ساعی ارسعی، ۱۳۹۱). در ادبیات کلاسیک، شهروندی، اطاعت از قانون و همچنین خدمت به دولت، از جمله وظایف اصلی شهروندان محسوب میشد. شهروند بودن در یک نگاه به این معناست که شما به یک کشور تعلق داشته و برای زندگی کردن در آن جامعه از حقوقی برخوردار هستید. تبیین مفهوم شهروند به مالک حقوق بودن در جامعه ختم نمی گردد؛ اعتقاد بر آن است که اصولاً هر حقی با وظیفه ای همراه است یعنی حقوق فردی و وظایف فردی. صاحب نظران معتقدند این دو عامل، دو بال اصلی شهروند محسوب می شوند، افراد زیادی هستند که در مورد حقوق شان صحبت می کنند، ولی به وظایفی که متعاقب آن می آید، توجه نمی نمایند. در حالی که شناخت وظایف هر فرد در قبال جامعه یکی از پیش نیازهای اصلی جریان شهروندی محسوب می شود.

^۱ Integration

^۲ Unliteral adaptation

^۳ Citizen

❖ بنابراین در تحلیل مفهومی شهروندی، دو عنصر اساسی استنباط میشود که عبارتند از:
الف) وظایف مردم نسبت به دولت و دیگران
ب) وظایف دولت و حکومت نسبت به افراد

وستهایمر^۱ و کاهن^۲ در مقاله ای سه نوع شهروند را نام میبرند:
- شهروندی که شخصاً مسئول است.
- شهروندی که مشارکت جو است.
- شهروندی که عدالت محور است.

- **شهروند شخصاً مسئول:** شهروند شخصاً مسئول، کار میکند و مالیات خود را می پردازد، او از قوانین پیروی می کند و همچنین به افرادی که در شرایط بحرانی مانند سیل، کولاک و زلزله و ... گرفتار آمده اند کمک مینماید. شهروند شخصاً مسئول فردی است که در ارائه غذا یا پوشاک هنگامی که دیگران به آن نیازمند هستند هیچ گونه تردیدی به خود راه نمیدهد و داوطلبانه کمک می کند.
 - **شهروند مشارکتی:** به شهروندانی که خود فعالانه در امور مدنی و زندگی اجتماعی جامعه در سطح محلی و ملی مشارکت می کنند را شهروند مشارکت جو می نامند. این دیدگاه بر آماده سازی دانش آموزان برای مشارکت در امور جمعی و جامعه، تأکید میکند.
 - **شهروند عدالت محور:** شهروندان عدالت محور به طور منتقدانه ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را مورد ارزیابی قرار داده و استراتژی هایی را مورد توجه قرار میدهند که ماهیت جمعی داشته و با بی عدالتی مخالفت میکند و دلایل اصلی مشکلات را نشان میدهد.
- با هدف مقایسه ی تفاوت ها، در جدول زیر، انواع شهروند آورده شده است:

عنوان	شهروند شخصاً مسئول	شهروند مشارکت جو	شهروند عدالت محور
توصیف:	شخصاً در جامعه خود فعالیت میکند. کار می کند و مالیات را می پردازد. از قوانین اطاعت میکند. فداکاری میکند. در زمان های بحرانی داوطلبانه یاری رساننده است.	عضو فعال سازمان های جامعه و یا پیشرفت تلاش ها. تلاش های جامعه را به منظور مراقبت نمودن از نیازمندان سازماندهی میکند، موجب ارتقاء اقتصاد کشور میشود، یا محیط را پاکیزه نگه می دارد. میداند که سازمان های دولتی چگونه عمل می کنند. به منظور تحقق وظایف استراتژی ها را جمعی می شناسد.	به طور منتقدانه ساختارهای اجتماعی و اقتصادی را مورد ارزیابی قرار میدهد تا فراتر از دلایل سطحی گام بردارد. در جستجوی زمینه های عدالت بوده و به آن می پردازد. در مورد جنبش های اجتماعی و اینکه چگونه موجب تغییر سیستماتیک شوند میداند.
نمونه فعالیت	اهدا لوازم مورد نیاز به نیازمندان	سازماندهی اهدا لوازم مورد نیاز به نیازمندان	کشف این مسئله که چرا مردم گرسنه هستند و دلایل ریشه ای این مسئله را پیدا کرده و حل نماید.

^۱ Westheimer

^۲ Kahne



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

عنوان	شهروند شخصاً مسئول	شهروند مشارکت جو	شهروند عدالت محور
مفروضات مهم	شهروندان به منظور حل مشکلات اجتماعی و پیشرفت جامعه باید دارای شخصیت خوب باشند، آنها باید صادق، مسئول و مطیع قانون و جامعه باشند.	شهروندان به منظور حل مشکلات اجتماعی و پیشرفت جامعه باید به طور فعالانه مشارکت کنند و هدایت موقعیت‌هایی را برعهده گیرند که نظام‌ها و ساختارهای جامعه را به وجود می آورند.	شهروندان به منظور حل مشکلات و پیشرفت جامعه باید نظام‌های به وجود آمده و ساختارها را زیر سوال برده و در آنها تغییر ایجاد نمایند و الگوهای بی عدالتی را در همه زمان ها منعکس کنند.

۶- آموزش (تربیت) شهروندی

آموزش شهروندی^۱ به معنای رشد و پرورش ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت آگاهانه و فعال در زندگی اجتماعی است. آموزش شهروندی از نظر یونسکو سه موضوع مهم دارد:

۱- آموزش حقوق شهروندی و انسانی به مردم از طریق تفهیم اصول و نهادهای یک حکومت، یک کشور یا یک ملت
۲- یادگیری برای تمرین قضاوت فردی و روحیه انتقادی

۳- به دست آوردن احساس مسئولیت فردی و اجتماعی (مولایی، ۱۳۹۰)

آموزش شهروندی ابزاری توانمند برای دستیابی به مشارکت شهروندی است. در این آموزش کوشش می‌شود تا شهروندان به صورتی مسئولانه در امورات زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود شرکت کنند. این آموزش‌ها شامل حقوق انسانی، رشد پیوسته و همه‌جانبه، اخلاق و ارزش‌ها، صلح و مسالمت‌جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوت‌ها (توجه به رویکرد چندفرهنگی در جامعه) است. آموزش شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌گردد. این مؤلفه ضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه همه‌جانبه جوامع صنعتی و رو به پیشرفت است. آموزش شهروندی، آماده‌سازی کودکان، نوجوانان و جوانان برای پذیرش نقش‌ها و مسئولیت‌هایشان به‌عنوان یک شهروند است. از طرفی آموزش شهروندی، کسب آگاهی در مورد حقوق شهروندی است. این عامل، نقش مهمی در نهادینه شدن حقوق شهروندی دارد. امروزه نهادینه‌شدن مفهوم شهروندی و بالارفتن آگاهی شهروندان در زمینه‌ی حقوق و تکالیف شهروندی می‌تواند راهگشای مشکلاتی باشد که حکومت‌ها و مدیران شهری طی سال‌ها و در پروژه‌های مختلف نتوانسته‌اند راه‌حلی برای آن‌ها پیدا کنند. آگاهی از حقوق و تکالیف شهری، در درجه‌ی اول باعث می‌شود که فرد، وظایف و تکالیف خود را بشناسد و آن‌ها را به‌نحو احسن انجام دهد. با ارتقاء آگاهی در جامعه، میزان مشارکت افزایش می‌یابد و موجب می‌شود تا فرد، در بطن برنامه‌های شهری قرار گیرد و با مسائل شهری آشنا شود؛ در نتیجه، نوعی حس تعلق مکان و دلسوزی در فرد ایجاد می‌شود و در چنین شرایطی، خود را بخشی از جامعه می‌پندارد و منافعی را از منافع جامعه جدا نمی‌داند. آموزش حقوق شهروندی یا به طور رسمی در دروس مدارس ابتدایی به شهروندان آموخته می‌شود یا به طور غیررسمی در خانه (رفتار والدین بهترین الگوی عملی برای تقویت مهارت‌های شهروندی فرزندان جامعه می‌باشد) یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی. آموزش شهروندی می‌تواند در قالب هریک از سه رویکرد ذیل انجام شود:

الف) آموزش درباره شهروندی: دانش درباره نظام سیاسی کشور یا کشورهای دیگر؛

ب) آموزش برای شهروندی: توسعه مهارت‌ها و ارزش‌ها به عنوان ابزاری برای تشویق و تربیت شهروندان؛

ج) آموزش از شهروندی: تأکید بر یادگیری از طریق انجام دادن و کسب تجربه در داخل و خارج از مدرسه (جیمز آرتور،

۲۰۰۵).

^۱ Civic education



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

در مجموع آموزش شهروندی باید پرورش ویژگی های شهروندی را حول چهار محور اساسی دسته بندی و اجرا کند: ارزش ها، دانش و مهارت ها، آگاهی و دانایی، تعهد و مسئولیت (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۹) به طور کلی هدف از آموزش شهروندی تحقق مفاهیم شهروندی و نیل به هدف بزرگتر توسعه پایدار شهروندی است. آموزش شهروندی نحوه ایجاد انگیزش در بین افراد برای پذیرش نقش شهروند و توجه به منافع جمعی است. این آموزش ها از طریق آگاهی بخشی به حقوق شهروندی، تقویت مهارت های زندگی اجتماعی و ایجاد انگیزش در افراد جامعه، شکلگیری حس شهروندی را تسهیل میکنند (تاجیک اسماعیلی، ۱۳۹۳)

۱-۶- الگوهای آموزش شهروندی

مهمترین الگوهای آموزش شهروندی به قرار زیر است:

- الگوی آموزش مستقیم سیاسی_مدنی (PCEA^۱)
- الگوی مدارس دموکراتیک (DSA^۲)
- الگوی آسیب شناسی اجتماعی (SPA^۳)
- الگوی قانون_محور (LRA^۴)
- الگوی نظام دار (پژوهش تاریخی) (SACE^۵)

• **الگوی آموزش های مستقیم سیاسی-مدنی:** ایده اصلی این الگو آن است که تربیت شهروندی از طریق مطالعه دولت و سیاست ها، خط مشی ها و ارزش هایی که حکومت بر آن مبتنی است، امکان پذیر می باشد (Hoge, 1998) این بیان بدان معناست که نظام آموزشی باید برای تربیت شهروندی، آموزش های مستقیم سیاسی_مدنی را در دستور کار خود قرار دهد و این آموزش ها باید بر سه محور اصلی زیر استوار باشد:

دانش و مهارت های شهروندی، ارزش های شهروندی، مشارکت مدنی

به زعم پارکر، از طریق آموزش های مستقیم سیاسی_مدنی بچه ها باید یاد بگیرند که چگونه فکر کنند، منطقی استدلال کنند و توانایی برقراری ارتباط موثری را داشته باشند (parker, 1989).
مهمترین ویژگی های مورد نظر در این الگو عبارت اند از:

- دارا بودن نگرش مطلوب
- آشنایی با الگو های تفکر
- آشنایی با تعهدات شهروندی
- احترام به خود و دیگران
- خودانضباطی
- فنون مذاکره و مصالحه
- استقلال و خود اتکایی
- آشنایی با حقوق فردی
- عدالت
- میهن پرستی (Clark, 1989, parker, 1988, butts, 1988)

^۱ PCEA (Political - Civic Education Approach)

^۲ DSA (Democratic Schools Approach)

^۳ SPA (Social Pathology Approach)

^۴ LRA (Law-Related Approach)

^۵ SACE (Systematic Approach of Citizenship Education)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

طرفداران این الگو تاکید دارند که ضرورت آموزش شیوه های مشارکت شهروندی به عنوان یک عنصر کلیدی در برنامه ریزی و تدریس بسیار حیاتی است (Barber, 1989). زیرا بدون مردم فعال، هیچ دولت مردم سالاری نمیتواند دوام بیاورد. از این رو ضروری است تا معلمان، والدین و سیاستگذاران آموزشی زمینه های تمرین عالی درگیری و مشارکت مسئولانه دانش آموزان را در امور مدنی فراهم نمایند (Schapiro, 1995) و این امر از طریق اجرای برنامه های درسی ویژه یادگیری خدمات (به ویژه جامعه محلی) امکان پذیر می شود (Casker and willits, 1991).

• **الگوی مدارس دموکراتیک:** الگوی مدارس دموکراتیک که ریشه در افکار و ایده های مطرح شده در تربیت اخلاقی و تربیت شخصیت دارد. بر این باور مبتنی است که دارا بودن یک شخصیت خوب، برای زندگی در جامعه معاصر ضروری است. از این رو معلمان و کلیه کسانی که در امر تعلیم و تربیت مشارکت دارند، باید بر پرورش شخصیت متعادل دانش آموزان اهتمام ورزند. در این الگو آن چه که نقش اصلی در پرورش شهروندی را بر عهده دارد، کل مدرسه است، نه فقط آموزش های مستقیم شهروندی.

در این الگو، مدارس باید فعالیت های تربیتی خود را بر دو هدف عمده متمرکز نمایند:

الف) مدارس باید محتوای آموزشی و مهارت هایی را که برای شرکت افراد در یک جامعه دموکراتیک ضروری است را به دانش آموزان بیاموزند.

ب) همچنین مدارس باید در توسعه بنیان های اخلاقی بچه ها تلاش ویژه ای را به کار ببندند، تا آن ها بتوانند درک روشنی از زندگی، حقوق و مسئولیت های شهروندی و فهم دیگران داشته باشند.

دانش آموزان باید دانش اخلاقی، اعمال اخلاقی و مراقبت های اخلاقی را به طور متوازن بیاموزند. آن ها باید یاد بگیرند که به خود و دیگران احترام بگذارند و برای قانون، عدالت، برابری، مشارکت در زندگی عمومی و توجه به منافع عموم مردم ارزش قایل شوند (Schaps, 1985) این چگونگی، مستلزم آن است که معلمان، کلاس های درس خود را همانند یک جامعه دموکراتیک اداره کنند. مدارس در حقیقت در این الگو به عنوان موسساتی در نظر گرفته میشوند که تربیت شهروندی هدف اصلی و اولیه آنان را تشکیل میدهد و هم از این رو باید خود نماد مردم سالاری و دموکراسی باشند (Mosher, 1991).

نمونه های اولیه این الگو در افکار جان دیویی و سپس لارنس کلبیگ مشاهده شده است. جان دیویی در کتاب دموکراسی و تعلیم و تربیت بیان میکند که دموکراسی نه فقط یک نظام حکومت و اداره امور است بلکه روشی برای زندگی است به رغم وی مدرسه باید به صورت یک جامعه در دموکراتیک کوچک اداره شوند و در آن بچه ها نحوه مشارکت در امور مختلف را بیاموزند. آنها باید یاد بگیرند که چگونه به مسائل اجتماعی به صورت علمی برخورد نمایند و این امر تنها از طریق همت مدارس به ترتیب شهروندی امکان پذیر است (جویس و ویل، ۱۳۷۸). به زعم دیویی، دانش آموزانی که شیوه های زندگی دموکراتیک در مدارس را تجربه میکنند، بهتر میتوانند مسئولیت های یک شهروند آگاه را در یک جامعه بزرگ بپذیرند. در زندگی دموکراتیک دانش آموزان ضرورت توافق و سازش با یکدیگر را درک میکنند و به نیاز های مردمان دیگر و موسسات اجتماعی توجه می نمایند (Masher, 1991).

لارنس کلبیگ نیز که بر تربیت و رشد اخلاقی تاکید دارد، بر این باور است که رشد اخلاقی در کانون تربیت شهروندی قرار دارد و رشد اخلاقی خود در گرو درک مناسب افراد از مفاهیمی چون عدالت و برابری است و مشارکت در تجربه دموکراتیک (در سطح مدرسه) منجر به فهم بهتری از عدالت و در نتیجه آماده شدن برای مسئولیت های شهروندی میشود (Rainhartz, 1997). مراحل رشد قضاوت اخلاقی از نظر کلبیگ، در سه سطح به صورت زیر بیان میگردد:

- سطح اول: اخلاق پیش عرفی یا پیش قراردادی (از ۴ تا ۱۰ سالگی)

خصوصیات: قضاوت بر حسب عواقب و پیامد عمل - اجتناب از تنبیه و کسب پاداش

- سطح دوم: اخلاق عرفی یا قراردادی (از ۱۰ تا ۱۳ سالگی)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

خصوصیات: ارزش های اجتماعی، نظم اجتماعی، اطاعت از قانون - دختر خوب یا پسر خوب
- سطح سوم: اخلاق پس عرفی یا پس قراردادی (از ۱۳ سالگی به بعد)
خصوصیات: اخلاق واقعی، پیمان اجتماعی، اصول جهانی - وجدان

به طور خلاصه الگوی مدارس دموکراتیک، تربیت شهروندی را نه تنها فقط با آموزش های مستقیم مفاهیم و ارزش های اخلاقی شهروندی، بلکه از طریق زمینه سازی الگوپذیری از معلمان و کلاس های درس دموکراتیک، روابط مبتنی بر دموکراسی در سطح مدرسه، مشارکت در امور مدرسه، مخالفت با جو حاکم بر مدرسه، و به طور کلی وجود فرصت های تربیتی مناسب مبتنی بر اصول دموکراسی امکان پذیر میدانند. جلسات کلاس درس، ماهیت تصمیمات گروهی معلم و دانش آموزان، نحوه تنظیم قوانین مدرسه و فعالیت هایی از این دست همگی فرصت های تربیت شهروندی به شمار می آیند. از این رو تربیت شهروندی در مدارس که به شیوه دموکراتیک اداره نمی شوند، امکان پذیر نمی باشد.

• **الگوی آسیب شناسی اجتماعی:** از این الگو که از آن تحت عنوان الگوی مسائل اجتماعی نیز نام برده می شود؛ الگویی است که بر بی عدالتی ها، مشکلات اجتماعی و شناخت مؤسسات اجتماعی متمرکز است. مباحثی چون، جنایت، خشونت، بی عدالتی، تبعیض، فقر، آلودگی، جنگ و ترور نمونه مسائلی هستند که در الگوی آسیب شناسی اجتماعی در کانون توجه قرار می گیرند (Shirer, 1977). در این الگو، وظیفه اصلی نظام آموزش، آشنا ساختن دانش آموزان با مسائل و مشکلاتی است که در محیط پیرامون آنان وجود دارد. «برلاک» چهار هدف عمده را برای آموزش شهروندی از طریق آسیب های اجتماعی تعیین کرده است. این هدف ها عبارتند از:

— کمک به بچه ها در درک دیدگاه های دیگران، فهم شرایط و وضعیت های افراد در جامعه

— آشنایی با امور اجتماعی از قبیل: مالیات؛ هزینه های زندگی و ...

— آشنایی با مشکلات اجتماعی معاصر

— افزایش توان تصمیم گیری (انتخاب متفکرانه یک راه حل از بین شقوق مختلف عمل) (Berlack, 1987).

طرفداران این الگو بر این باورند بر مبنای مسائل معاصر و مشکلات متعدد نژادی، جنسی، فقر و نابرابری به شدت امنیت و ثبات جامعه را تحت الشعاع قرار میدهد. از این رو تربیت شهروندی به مثابه یک مسئولیت عمده نظام های آموزشی در جهت نابرابری ها و بی عدالتی ها است. مدارس در این راستا نه تنها باید دانش، مهارت ها و نگرش های مورد نیاز را به منظور آماده سازی افراد برای مشارکت کامل در جامعه به آنان ارائه دهند، بلکه باید آگاهی آنان را از عملکرد های اجتماعی و آسیب های ناشی از این عملکرد ها فزونی بخشند. (Shirer, 1977).

هدف اصلی الگو مسائل اجتماعی در آموزش شهروندی، افزایش آگاهی دانش آموزان از نابرابری ها و مشکلات جامعه است تا در آنان حس مسئولیت را برای حل این مسائل برانگیزد (Berlak, 1987)، معلمان نیز در این الگو تشویق میشوند تا این بی عدالتی ها را به دانش آموزان گوشزد کنند و مؤسسات دخیل در حل و فصل این مسائل را به دانش آموزان معرفی نمایند و در عین حال در تواناسازی دانش آموزان برای جلوگیری از تداوم و گسترش آسیب های اجتماعی تلاش نمایند.

تربیت شهروندی از طریق این الگو بر توسعه آگاهی های سیاسی معلمان، مدیران مدرسه، برنامه ریزان درسی و سایر شرکای آموزش و پرورش بستگی دارد و تنها در صورت وجود عناصر و نیروهای فرهیخته در سطح مدارس است که میتوان به نقش آموزش شهروندی در نوسازی مؤسسات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جامعه امیدوار بود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

• **الگوی آموزش قانون محور:** بر اساس این الگو، سواد قانونی^۱ برای یک شهروند خوب امری ضروری محسوب میشود. از این رو فهم قانون و مراحل قضایی در این الگو، مورد تأکید است. ابتدایی ترین شکل این الگو تعلیم و تربیت بر مبنای قانون اساسی است. در مراحل بعدی قوانین حکومت ملی ایالتی و محلی آموزش داده میشود. محورهای آموزشی مشتمل بر مواردی چون قوانین ابلاغی نظام کیفری مکانیزم های اجرای قانون و فرآیند استدلال قضایی در محاکم میباشد. (Kennedy, ۱۹۹۹). چند نکته اساسی در ارتباط با این الگو شایان ذکر به نظر می رسد:

— در این الگو، آموزش ها عمدتاً در قالب برنامه های مستقل حقوقی-قضایی در سطح مدارس سازماندهی و اجرا می شود.
— روند کلی آموزش های قانون محور نشان میدهد که این آموزش ها بیشتر در برنامه های درسی مدارس دولتی اجرا میشود؛ در عین حال محتوای آن بیشتر مرتبط با برنامه های ویژه برای خلاف های جوانان و نوجوانان است تا از این رهگذر ضمن کمک به کاهش جرایم مسائل کیفری و مکانیزم های آن را به دانش آموزان دهند.
— الگوی آموزش قانون محور به عنوان الگویی برای تربیت شهروندی در چند دهه اخیر از حامیان زیادی برخوردار نیست و جایگاه آن در سطح مدارس تنزل پیدا کرده است.

ظاهراً این الگو شباهت بسیار زیادی به رویکرد آموزش های مستقیم سیاسی _ مدنی دارد (به علت تأکید بر آموزش مباحث حقوقی _ قانونی) و از سوی دیگر با الگوی آسیب شناسی اجتماعی نیز مرتبط است (به دلیل شناسایی جرم های نوجوانان و جوانان در سطح جامعه و آموزش مباحث حقوقی مرتبط با دانش آموزان) برای کاهش جرایم.

• **الگوی نظامدار آموزش شهروندی:** به زعم طرفداران الگوی نظامدار آموزش شهروندی که از آن تحت عنوان "پژوهش تاریخی"^۲ نیز نام برده میشود، آموزش شهروندی به معنی آموزش مستقیم حقوق و مسئولیت های شهروندی نیست؛ بلکه در عوض باید بر پرورش ابعاد عقلانی و تفکر انتقادی دانش آموزان همت گماشت (Naylor, 1976). پرورش ابعاد عقلانی و تفکر انتقادی نیز عمدتاً از مطالعه تاریخ بدست می آید. در این الگو هدف اصلی آن است که با آموزش و روش های پیشرفته تحقیق و تواناسازی پژوهشی دانش آموزان، قابلیت شهروندی را در آنان پرورش دهند. به زعم حامیان این دیدگاه بین تاریخ و شهروندی رابطه محکمی وجود دارد، زیرا در صورت یادگیری روش های پژوهش تاریخی، دانش آموزان میتوانند درک کنند که چگونه جوامع میتوانند به صورت آزاد و کارآمد باقی بمانند و در این راستا، دانش آموزان بر مبنای حقایق درباره ارزش ها و مفاهیم، قضاوت خواهند کرد (Newmann, 1987). دانش آموزان باید کشمکش های دوران های گذشته را بفهمند و در جستجوی پاسخ هایی برای آن ها باشند. دانش آموزان با مطالعه تاریخ از دانش بسیار وسیع در مورد زمان های گذشته، فرهنگ های دیگر و مکان های دیگر بهره مند میشوند. الگوی منظم تربیت شهروندی ادعا میکند که دانش آموزان از طریق دانش اندوزی فرآیند تفکر در خصوص تاریخ، میتوانند به فرصت های لازم برای درک بهتر انسان، طبیعت و جامعه انسانی نایل شوند و سیر تحول آن ها و تاثیری که بر شکلگیری جوامع دموکراتیک داشته اند را، بهتر بفهمند

۷- تبیین مفهومی تربیت شهروندی (هدف تعلیم و تربیت شهروندی)

هدف از آموزش حقوق شهروندی بر مبنای حقوق بشر؛ تعلیم مهارت ها، ارائه اطلاعات علمی و شکل دادن به رفتارهایی است که باعث پیشبرد فرهنگ همگانی حقوق بشر می شود. در واقع حقوق شهروندی، حقوقی هستند که به انسان به عنوان یک انسان تعلق می گیرند؛ با واقعیت انسان بودنش و با احترام به دین، فرهنگ، زبان، نژاد و ملیت او.

^۱ Law Literacy

^۲ Historical Research



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

یک هدف کلی برای تعلیم و تربیت شهروندی وجود دارد و آن عبارت است از: پرورش شهروندان خوب. امروزه تربیت شهروندان خوب، یکی از مهمترین وظایف نظام‌های رسمی آموزش و پرورش در کشورها است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، مسئولان تعلیم و تربیت با تدوین برنامه‌های آموزشی متنوع، تربیت شهروندی مناسب را در صدر اقدامات و فعالیت‌های خود قرار داده‌اند. شاید بتوان گفت در حال حاضر، تمامی کشورها این نگرانی را دارند که چگونه نسل جدید خود را، به‌عنوان یک شهروند مفید، آماده کنند و روش‌های مشارکت فعال در زندگی اجتماعی را به آنان بیاموزند. این هدف کلی قابلیت تبدیل به اهداف جزئی را دارا می‌باشد که به طور جمع بندی، میتوان ویژگی های شهروند مطلوب و خوب را به صورت زیر بیان نمود:

- احترام به حقوق متقابل
- مسئولیت پذیری اجتماعی و خانوادگی
- دارا بودن حس وطن دوستی
- التزام عملی به قانون
- علاقه و نگرانی نسبت به آسایش و رفاه دیگران و خود
- داشتن روحیه قانون مداری
- داشتن روحیه بردباری و تحمل
- داشتن روحیه انتقاد پذیری و تحمل
- داشتن روحیه قدر شناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت ملی و مذهبی
- آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی
- آگاهی از حقوق شخصی
- توانایی اقدام مستقل (انجام امور بدون اتکاء به دیگران)
- توانایی تصمیم گیری منطقی و معقولانه
- توانایی گفتمان و دیالوگ
- توانایی نقد و ارزیابی
- توانایی مشارکت با دیگران (گروه ها و انجمن های اجتماعی)
- توانایی به دست آوردن اطلاعات ضروری
- داشتن اعتقادات و باورهای مستقل
- خوشبین بودن
- پذیرش تنوع و تکثر
- آگاهی از حوادث و رویداد های جامعه
- آگاهی از تاریخ و سیر تحولات تاریخی جامعه
- آگاهی از مکاتب عقیدتی و ایدئولوژیکی
- آگاهی از نحوه ساختار و عملکرد دولت در سطح ملی و محلی
- آگاهی از حقوق بین المللی
- آگاهی از وضعیت موجود جوامع در دوران معاصر
- آگاهی از عقاید و دیدگاه های احزاب سیاسی عمده کشور
- آگاهی از وضعیت موجود جوامع در دوران معاصر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

۷-۱- ارتباط شهروندی با مهارت های زندگی

مفهوم شهروندی در درجه اول، دارای وجوه مشترک با مهارت های زندگی در سطح محلی و ملی است و در درجه دوم، با مهارت های زندگی در جامعه ی جهانی ارتباط دارد. درچنین دیدگاهی است که نه بر اساس رویکرد روان شناسی فردیت و اجتماعی جوامع پیشرفته صنعتی بلکه بر پایه روش زندگی ایرانی، می توان مهمترین مهارت های مورد نیاز دانش آموزان نوجوان و جوان را برای زندگی سعادت‌مندانه ای فراهم نمود. مهمترین مهارت هایی را که می توان برای دانش آموزان پیشنهاد داد به شش گروه قابل تقسیم است. اولین گروه از مهارت ها که دانش آموزان باید یاد بگیرند، شناخت زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، ملی و دینی در کشور است. دومین گروه از مهارت ها که دانش آموزان باید یاد بگیرند، این است که دانش آموزان سلامت جسمی، بهداشت فردی و زیست محیطی را حفظ کنند و بهبود بخشند تا زندگی برای آنان و دیگران آسانتر شود. گروه سوم از مهارت ها، آن است که نوجوانان و جوانان دانش آموز یاد بگیرند که نظم و قانون مداری و عدالت را در همه حال رعایت کنند و در همه ی اموری که انجام آنها بر عهده ی آنان است، احساس مسئولیت داشته باشند. چهارمین گروه از مهارت ها این است که دانش آموزان مناسبات سالم اجتماعی، نظیر همدلی، همدردی، کمک رسانی، رشد مهارت های زبانی توانایی بر قرار کردن ارتباط موثر و ثمربخش با دیگران، بده بستان برابر و عادلانه، دوست داشتن هم زبانان، همراهان، هموطنان و انواع دیگر ارتباط های مبتنی بر کرامت انسانی را فرا بگیرند. گروه پنجم از مهارت ها، که اهمیت ویژه ای در هویت و شخصیت و زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی نوجوانان و جوانان دارد، مهارت های شغلی است. ما از این بابت در کشور خود مشکلات بیشماری داریم و جا دارد آموزش و پرورش، هم با فراهم کردن زمینه های مهارت های شغلی در ذهن و روحیه و رفتار تمام دانش آموزان (مانند دقت و نظم و مسئولیت و پیگیری و نوآوری و شکلگیری درست هویت شغلی) و هم در برنامه ریزی های آموزش فنی و حرفه ای سطوح بالاتر تحصیلی از نظر آموختن دانش و مهارت های تخصصی به نوجوانان و جوانان و ایفای نقش و اعمال فشار بر نهادهای مسئول تأمین فرصت های شغلی برای جوانان، نقش حیاتی خود را به درستی ایفا کند. گروه ششم از مهارت ها این است که دانش آموزان در هر سنی خود را چنان که هستند و بدان گونه که می توانند باشند، به درستی بشناسند و شیوه ی زندگی خود را بر اساس توانایی ها، استعدادها، هدف های کوتاه مدت و میان مدت و دراز مدت و در راستای تحقیق باورها و آرزوهایی که دارند، سازماندهی کنند. ویژگی های شهروندی نیز بخش جدایی ناپذیر از همین مهارت هاست و همان گونه که شاهد هستیم، مهارت های شماره ی یک تا پنج در زندگی شهروندی، اهمیت بیشتری دارند و مهارت شش زمینه ساز مهارت های شهروندی است.

۸- روش ها و راهکارهای ایجاد و تقویت مهارت شهروندی

برخی از مهمترین روش های ایجاد و تقویت مهارت شهروندی در مدرسه عبارتند از:

- آشناکردن دانش آموزان با قوانین و مقررات جامعه
- آشناکردن دانش آموزان به حقوق شهروندی شان
- آموزش اخلاق و ادب اجتماعی به دانش آموزان
- آموزش رعایت انضباط اجتماعی و حفظ اموال عمومی
- آموزش کمک به هم‌نوعان و شهروندان بدون توجه به مکان زندگی، رنگ، نژاد، مقام و ثروت
- آموزش قائل شدن حق زندگی برای همه
- اشاعه آزادانه‌ی افکار، مردم‌سالاری و وحدت ملی در جامعه به دانش آموزان
- آموزش رعایت حقوق همه‌ی گروه‌ها، طبقات، ادیان، قومیت‌ها و نژادها و ...
- گسترش ارزش‌های والای انسانی در جامعه و نهادینه کردن آنها



- از بین بردن تضاد و کشمکش بین مردم در جامعه
- آموزش احترام به کرامت‌های انسانی به دانش آموزان
- آموزش نظم، وجدان کاری و فرهنگ کار به دانش آموزان
- آموزش عدالت‌جویی و حق‌جویی و پرهیز از ظلم به دانش آموزان
- برگزاری سمینارها و دوره‌های آموزش حقوق شهروندی
- ارائه بروشورهایی در زمینه آموزش حقوق شهروندی
- اجرا و توجه جدی به طرح شهردار مدرسه در مدارس
- بهره‌گیری از الگوی مدارس دموکراتیک در مدرسه.

از دیگر مهارت‌هایی که آموزش و یادگیری آنها در پرورش شهروندانی فعال موثر است، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- تقویت شیوه‌های همکاری و کار گروهی
- تصمیم‌گیری به شیوه شورایی
- توانایی بخشیدن به افراد برای استدلال و نقد کردن
- تقویت مهارت‌های مؤثر ارتباطی
- مدیریت مشترک فعالیت‌ها و کارهای محلی
- درگیر شدن در کارها و فعالیت‌های محلی
- تقویت گفتگو و مهارت‌های مشارکتی (ذکابی، ۱۳۸۱).

۹- پیشنهادات

آموزش رسمی از مقطع آمادگی آغاز و تا دوره دانشگاهی ادامه یابد. در هر یک از مقاطع آمادگی، دبستان، راهنمایی و دبیرستان با توجه به شرایط سنی و ذهنی کودکان و نوجوانان و جوانان، آموزش حقوق شهروندی با روش آموزش مستقیم و کاملاً غیرمستقیم (از طریق نحوه رفتار و برخورد آموزگار با کودکان). به عبارتی مدارس برای دانش‌آموزان فضایی فراهم کنند که دانش‌آموزان، شهر را تجربه کنند و با حقوق شهروندی به شکل عملی آشنا شوند. یعنی ساختارها، روش‌ها و محیط‌های آموزشی برای تدوین و یادگیری شهروندی آماده شوند و طرح مستقیم مفاهیم حقوق شهروندی با دانش‌آموزان (با بهره‌گیری از روش‌های تدریس فعال از جمله؛ روش حل مسئله، روش کاوشگری، روش پروژه، روش یادگیری مشارکتی و...) و همچنین اطلاع‌رسانی در خصوص حقوق شهروندی با برگزاری کنفرانس، سمینار، دوره‌های کوتاه مدت و تهیه و تدوین کتابچه تصویری، کتب آموزشی، ابزار سمعی و بصری و فعالیت‌های فوق‌برنامه و اردوهای دانش‌آموزی به‌عنوان راهکارهای تربیت شهروندی بهره برد.

آموزش غیررسمی موجب عمومیت یافتن حساسیت نسبت به رعایت حقوق شهروندی از طریق مشارکت نهادهای عمومی و خصوصی می‌گردد. آموزش حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی در نهادهای عمومی دولتی و غیر دولتی از اهمیت مضاعفی برخوردار است، زیرا موجب استقرار و گسترش فرهنگ انسان ذیحق و مطالبه‌کننده، حکومت خادم و پاسخ‌گو و در نتیجه تعمیق دولت قانون‌مدار می‌شود.

فعالیت خاص شهرداری‌ها در زمینه آموزش همگانی (اجتماعی) در زمینه‌های مختلف حقوق شهروندی توصیه می‌گردد، خصوصاً در زمینه‌های: حقوق و تکالیف شهروندی؛ زنان؛ کودکان؛ مشارکت سیاسی؛ حقوق سندیکایی؛ حقوق محیط زیست؛ حقوق اقتصادی و اجتماعی، شهرداری‌ها می‌توانند این مهم را از طریق ابزار سمعی و بصری، برقراری دوره‌های کوتاه‌مدت و برنامه‌های هنری و فرهنگی و تأسیس نهادهای مدنی و غیر دولتی مانند «مجمع‌های محلی ارزیابی و پژوهش» به‌عنوان نوعی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

برنامه عملی برای آشنا ساختن جوانان با حقوق و وظایف خود به عنوان شهروند انجام دهند. همچنین پیشنهادات زیر در جهت بهبود شرایط موجود و حرکت برای رسیدن به شرایط مطلوب برای ارتقاء سطح آگاهی و مهارت‌های شهروندی میان دانش آموزان ایرانی و والدین آنها، ارائه می‌گردد:

— تدوین دوره‌های آموزش شهروندی و تدریس آن به صورت روتین در مدارس و دانشگاه‌های کشور

— بازنگری در محتوای برنامه‌های درسی، به خصوص دروس دبستان به منظور گنجاندن مهارت‌های شهروندی در برنامه‌های درسی دانش‌آموزان. آموزش مهارت‌های شهروندی به دانش‌آموزان ابتدایی از همان بدو ورود به دبستان، و والدین آن‌ها تأثیر قابل توجهی در افزایش آگاهی و مهارت‌های شهروندی دانش‌آموزان و والدین آن‌ها بر جای می‌گذارد، که این تأثیر می‌تواند سالیان متمادی در ذهن و تفکرات و در نهایت شیوه رفتار آن‌ها در جامعه مؤثر و مثمر واقع گردد. در دوره دبستان آموزش حقوق شهروندی و حقوق بشر از طریق قصه، حکایت، نمایشنامه و بازی انجام می‌گیرد. همچنین در دوره دبستان به منظور آموزش حقوق شهروندی، به کاربردن روش‌های مبتنی بر شرکت فعالانه دانش‌آموزان توصیه می‌گردد.

— برگزاری دوره‌های همزمان توسط مدارس ابتدایی برای آموزش مهارت‌های شهروندی به والدین دانش‌آموزان در جهت ارتقای همزمان سطح آگاهی و مهارت‌های شهروندی در میان والدین و دانش‌آموزان. آموزش همزمان مهارت‌ها و حقوق شهروندی به دانش‌آموزان و والدین آن‌ها تأثیر دو چندان بر بالا بردن سطح آگاهی و مهارت شهروندی آن‌ها بر جای گذاشته و می‌توان این تأثیرات را ریشه‌ای‌تر، مؤثرتر و ماندگارتر نماید.

— خروج انجمن‌های اولیاء و مربیان مدارس از حالت تشریفاتی و غیراثربخش به سمت فعالسازی، تقویت و اعتباربخشی به فعالیت‌های آنها و استفاده از ظرفیت اولیاء در جهت پیشبرد اهداف مدرسه

— برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت، در جهت ارتقاء شایستگی و مهارت معلمان، علی‌الخصوص معلمان ابتدایی برای آموزش مهارت‌های شهروندی به دانش‌آموزان

— اجرای طرح "کلاس شهر" در مدارس و خوگیری کودکان دانش‌آموز با فرهنگ شهروندی. آنچه در طرح کلاس شهر اتفاق می‌افتاد استفاده از زبان، کنش متقابل انسانی و تجربه‌پذیری عاطفی در مدارس برای جامعه پذیر کردن فرهنگ شهروندی است یعنی ورود فرهنگ شهروندی به مدارس به عنوان خاستگاه آموزش در کشور. کلاس شهر دروازه ورود مدیریت شهری به نظام تعلیم و تربیت است و از فرصت جامعه‌پذیری در نهاد مدرسه برای درونی‌سازی فرهنگ شهروندی استفاده می‌تواند. در تمام می‌کند. در طرح "کلاس شهر" دانش‌آموزان با آموزش‌هایی پیرامون فرهنگ شهروندی در حوزه‌های حمل و نقل و ترافیک، مدیریت پسماند، ایمنی و ... آشنا می‌شوند. در این طرح هم بسیار گسترده به فرهنگ شهروندی پرداخته می‌شود، هم شهروندی از سطح یک رفتار اجتماعی موقت و هیجانی در یک پویای اجتماعی تبدیل به نهاد اجتماعی پایدار می‌شود و به مدارس ورود می‌کند و در اصل، شهروندی به عنوان مقوله‌ای اکتسابی وارد مرحله جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری می‌شود.

— اجرای طرح "شهردار مدرسه". طرح شهردار مدرسه یکی از روش‌های آموزش شهروندی است که در مدارس انجام می‌گیرد. در واقع تعامل شهرداری، به عنوان سازمان متولی مدیریت شهری و آموزش شهروندی، با مدرسه، به عنوان نهاد رسمی نظام آموزش و پرورش، در قالب طرح شهردار مدرسه می‌تواند بیانگر ارتباط ارگانیک مدرسه با جامعه شهری مدرن در پرورش و تربیت دانش‌آموزان باشد. در واقع طرح شهردار مدرسه به عنوان یکی از مهمترین طرح‌ها در حوزه مدیریت شهری مطرح می‌شود و موجب می‌شود دانش‌آموزان مدارس با انتخاب برخی افراد به عنوان شهردار مدرسه و معاونان، بخشی از اداره امور مدرسه را به عنوان یک جامعه کوچک بر عهده بگیرند و در تمامی امور آن مشارکت داشته باشند. هدف این طرح توسعه و ترویج مشارکت اجتماعی و نهادینه کردن مهارت‌های شهروندی در بین دانش‌آموزان است. از جمله پیامدها و آثار طرح بر روی دانش‌آموزان می‌توان چنین بیان کرد که بیش‌ترین تأثیر طرح شهردار مدرسه در افزایش احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

افزایش علاقه و تعلق نسبت به محیط مدرسه، افزایش مشارکت جمعی در بین دانش‌آموزان، افزایش آموزش و آگاهی‌بخشی به سایر دانش‌آموزان مدرسه و نیز بهبود وضعیت تحصیلی شهرداران مدرسه است.

مراجع

- تاجیک اسماعیلی، عزیزالله (۱۳۹۳). مدیریت شهری، آموزش و فرهنگ شهروندی. تهران: نشر تیسرا
- خورشید سوار، محمد (۱۴۰۲). بررسی ضرورت آموزش مهارت شهروندی به دانش‌آموزان. سومین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرآیندهای تعلیم و تربیت، میناب
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱). آموزش شهروندی، نشریه: علوم اجتماعی «رشد آموزش علوم اجتماعی»، شماره ۱۹
- رفیعی، مهسا (۱۴۰۰). آموزش شهروندی. نشر الکترونیک مدیر آمار
- ساعی ارسی، ایرج (۱۳۹۱). آموزش مطالعات اجتماعی (در دوره ی ابتدایی)، چاپ چهارم، ویرایش اول، تهران، بهمن برنا
- سنچولی، زینب (۱۳۹۳). ضرورت آموزش شهروندی. فصلنامه مطالعات افکار عمومی، پیاپی ۱۰، تابستان.
- طالب زاده نوبریان، محسن و کوروش فتحی واجارگاه (۱۳۸۲). مباحث تخصصی برنامه ریزی درسی. تهران، انتشارات آبیژ
- غیاثوند، احمد. (۱۳۹۴). آموزش شهروندی در مدارس شهر تهران؛ آثار و پیامدها. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. ۶ (۲۳). ۲۰۷-۲۳۹
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۲). ویژگی های شهروند خوب برای جامعه ایران و میزان انطباق برنامه های درسی مدارس با این ویژگی، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳
- فتحی واجارگاه، کوروش و واحدچوکده، سکینه (۱۴۰۱). آموزش شهروندی در مدارس. چاپ دوم. تهران، انتشارات آبیژ
- فرمehنی فراهانی، محسن (۱۳۸۹). تربیت شهروندی. تهران: نشر آبیژ
- موسوی، سید هادی. آموزش شهروندی و حقوق شهروندی زیربنای ثبات اجتماعی. دیده بانی، فرهنگ سازی و توانمندسازی سازمان های جامعه مدنی ایران
- مولایی، اصغر (۱۳۹۰). ضرورت تمرین عملی آموزه های شهروندی به عنوان مکمل آموزش های نشری شهروندی. سمینار رسانه و آموزش شهروندی، مؤسسه فرهنگی - هنری تبلور اندیشه نو
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۷). آموزش و پرورش و جامعه مدنی. مجله پژوهش های تربیتی. جلد ششم، شماره ۳ و ۴
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۱). برنامه درسی، نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی
- واحد چوکده، سکینه و محمد کاظمی (۱۳۸۳). شهروندی لازمه شهرنشینی. تبریز، سمینار علمی - تخصصی شهرها و مردم

Butts, R.F (1998) Curriculum for the Education Citizen. Journal of Educational Leadership.V.38.

Cogan John J, David Grossman and Mei-Hui Liu (1999). Citizenship: The Democratic Imagination in a Global/Local Context. National Council for the Social Studies.

Combs, Carolyn (2001). A conceptual framework toward a democratic citizenship curriculum, and Its Implication for education Drama. Unpublished master of education thesis. University of Manitoba.

Dee Thomas s (2004). Are there civic return to edition? International Journal Educational Research. Vol.88, no.9_10

Faulks, Keith (2000) Citizenship. New York: Published by Routledge.

Hoge, john Douglas (2002). Character Education. Citizenship Education, and the Social. Pro quest Education Journals.Vol.93, No.3

Kennedy, K (ed) (1999) Citizenship Education and Modern State. London

Liu, Meihui (2001). The Development of civic Values: Case Study of Taiwan. International Journal of Educational Research. Vol.35, No.1.

McDonald, David G (1999). implementation of programs of deliberation and civic education to counter erosional effects of civic apathy upon liberal_ democratic polities. unpublished master of thesis. University of western Ontario.

Mosher, R (1988) Higher order Thinking in High School Social Studies. Madison. University of Wisconsin

parker, S (1989) Teacher mediation in Social studies. Journal of Theory and Research in Social Education .52 (3)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

Parker, Gavin (2000). citizenship, contingency and countryside. Rights, land and the environment. London and new york: routledge

Sears, Alan and Y vonne Herbert (2005). citizenship education. canadian education association.in www.ceace.ca/media/en/citizenship-education

Strijbos, s (2001). Global citizenship and the real world of technology. International journal education research.vol.23, no.4.

Summers, jacqueline Y (2002). A proposal model for anchorage adult civic education. Unpublished master of education thesis.

Rainhartz, M (1997) Teaching and Learning in Elementary Schools: Focus on Curriculum. Mcmillan Publishing company